

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

بازتایپ و ارسال از: لاله

۱۸ جون ۲۰۱۵

نظری گذرا بر نثر و شعر دری

(قوانین، صناعات، سبک ها و مکاتب ادبی)

مؤلف: زنده یاد داد نورانی

(۹)

جهت آگاهی از خصوصیات شعر، باید علم قافیه، علم عروض، علم بدیع، علم بیان و علم معانی را آموخت. درینجا مختصراً به هر یک از علوم فوق اشاره می کنم:

۱) **علم قافیه:** قافیه در لغت به معنی پشت گردن و آخر چیزی است و در اصطلاح شعر کلمات آخر ابیات را گویند که در صورت با هم مختلف و در آهنگ و وزن یکی باشند.

ا. **ردیف:** آن کلماتی را گویند که در آخر ابیات، غزل یا قصیده تکرار ذکر شود. باید دانست که موجودیت قافیه در نظم حتمی و موجودیت ردیف اختیاری می باشد. اگر در شعری بخت خویش و رخت خویش بیاید، خویش ردیف است.

به نام خداوند خورشید و ماه که دل را به نامش خرد داد راه (فردوسی)
به دو کلمه متفاوت ماه و راه که در پایان مصراع ها آمده اند و حروف آخری شان یکسان اند، اصطلاحاً قافیه گویند (ممکن است در وسط هم قافیه بیاید که آن را قافیه درونی می گویند مانند مرده بدم زنده شدم / گریه بدم خنده شدم). قافیه که در نثر می آید سجع نامیده می شود. آنچه نباید دلبستگی را نشاید (سعدی)

ب. **روی:** روی آخرین حرف (قسمت اصلی) کلمه قافیه است مانند در کلمات شاه، ماه و راه. اما در کلمات کتاب ها، تاب ها، خواندم و راندم، دونده و رونده، خندیدن و دیدن، روی به ترتیب ب، ن، و، د است، زیرا این حروف آخرین حرف قسمت اصلی این کلمات هستند. پس برای تعیین روی باید حروفی را که زاید بر اصل کلمه است کنار گذاشت. این حروف زاید عبارت اند از نشانه های جمع (ان، ات، ها، این). ضمائر متصل، نون مصدری و پسوند ها. کلمات قافیه در حرف روی مشترکند هر گاه بعد از روی حرف یا حروفی آمده باشد، آن حرف یا حروف نیز باید عیناً تکرار گردند. ازین رو می توان حرف روی را به وسیله قافیه های شعر به آسانی تشخیص داد. مثلاً هرگاه قافیه شعری خفتند و گفتند باشد، روی "ت" است چون شناسه "ند" عیناً تکرار شده است. گاهی حروف زاید بر اصل حرف اصلی حساب می شوند. دانا، بینا، رنجور، مزدور، شیرین، سیمین، روی ا، د، ن است نه ن، و، ی.

ج. **مصوت ها و صامت های زبان دری:** در زبان فارسی سه مصوت کوتاه و سه مصوت بلند وجود دارد.

مصوت های کوتاه: زیر، زیر و پیش (e-، a-، o-)

مصوت های بلند: آ a، ای I، او u

به دو مصوت ow = و و ey = ی که در کلمات نو، خسرو، پی، کی و امثال این ها دیده می شود، مصوت مرکب گویند. مصوت های مرکب جز مصوت های بلند حساب می شوند. بقیه اصوات از قبیل ب، ج، ش، م... را صامت می گویند.

د. آوانگاری: املائی است که با آن همه اصوات زبان اعم از صامت و مصوت را بتوان نشان داد. برای این منظور با اندک تغییری از الفبای لاتین استفاده می شود. مثلاً چگونگی (teguneği) که در آوانگاری هشت حرف و در فارسی شش حرف حساب می شود، زیرا کسره های (چ) و (ن) در فارسی نوشته نمی شود. در کلمه خواستن (xastan) و در کلمه دل (del) که در کلمه خواستن (و) نوشته نمی شود و در کلمه دل یک حرف اضافه نوشته می شود.

ه. هجا: مجموعه ای از اصوات است که در یک دم یا بازدم ادا شود و آن در زبان فارسی مرکب از یک مصوت و یک یا دو یا سه صامت است. اصوات کلمه دویده ام، در چار حرکت دم و بازدم ادا می شود؛ د - وی - ده - ام که چهار مصوت دارد. پس این کلمه مرکب از چهار هجائی است.

جدول هجا های زبان دری: در زبان دری شش نوع هجا معمول است. برای نشان دادن این هجا ها از علامت C = Consonant و V = Vowel برای مصوت کوتاه و صامت و V برای مصوت بلند استفاده می کنیم.

۱- صامت + مصوت کوتاه - CV = نه na - که ke - تو to

۲- صامت + مصوت بلند - CV̄ = ما ma - می mi - مو mu

۳- صامت + مصوت کوتاه + صامت - CVC = سر Sar - دل Del - پر Por

۴- صامت + مصوت بلند + صامت - CV̄C = کار Kar - ریز Riz - مور Mur

۵- صامت + مصوت کوتاه + ۲ صامت - CVCC = کرد Kard - زشت Zest - مرد

۶- صامت + مصوت بلند + ۲ صامت - CV̄CC = کرد Kard - بست Bist - Dust

و. کلمه قافیه و هجای قافیه: مقصود از کلمه قافیه کلماتی از قبیل دانشمند - پند، شکست و بیست است، اما همه اصوات این کلمات در ایجاد یک آهنگ و آوای یکسان یعنی قافیه نقش ندارند. مثلاً درین کلمات فقط اصوات هجا های مند و پند - کست و بست که در ساختن قافیه دخالت دارند. پس هجا های قافیه جزئی از کلمه قافیه است. کلمه قافیه یا مرکب از چند هجاست مانند می دانست، و یا یک هجا مانند سرد. در صورت اخیر کلمه قافیه با هجای قافیه یکی است.

برای به دست آوردن هجای قافیه در آن دسته از کلمات قافیه که بعد از روی آنها اصواتی آمده است، نخست اصوات بعد از روی را حذف می کنیم و پس هجای قافیه را مشخص می کنیم آخرین حرف هجای قافیه روی است. بدین ترتیب در کلمات مانند بستیمشان و پیوستیمشان، نخست "یمشان" را که حروف مشترک بعد از روی است کنار می گذاریم (..ت. روی است) بست و پیوست می ماند که آخرین هجای آن ها به ترتیب بست و دست است که با تغییر حرف اول می توان قافیه های زیادی به وجود آورد.

ز. اساس قافیه: قافیه یا آهنگ چند سان کلمه را هجای قافیه به وجود می آورد. هر یک از شش نوع هجائی که خوانده ایم می تواند هجای قافیه باشد در ایجاد قافیه صامت آغازی این هجا ها قابل تغییر و بقیه حروف ثابت و تغییر

ناپذیر است و قافیه را چنین می توان ساخت که هر گاه به جای حرف اول هجا های صامت های متفاوت قرار دهیم چندین کلمه هم قافیه پیدا خواهیم کرد. مثلاً اگر بخواهیم برای مور (CV̇C) کلمات هم قافیه بیابیم کافی است که به جای اولین صامت آن حروف دیگری قرار دهیم تا به کلماتی چون نور، کور، دور و... دست یابیم. اساس شناخت قافیه فقط درک همین نکته است. حال این مطلب را در هر شش نوع هجا ها با مثال های متعدد می توانیم بررسی کنیم.

ج. عیوب قافیه: قوافی معیوب قافیه هائی اند که در آن ها اندک انحرافی از قانون قافیه دیده شود. اینگونه قوافی کم و بیش در اشعار شاعران بزرگ نیز آمده است. این عیوب عبارتند از:

۱- **اقوا:** هر گاه در هجای قافیه (CVC) همسانی مصوت رعایت نشود، قافیه دارای عیب اقوا خواهد بود. مثلاً معطر، منبر، مدور که درین جا Bar، Tar با Ver قافیه شده که باید با Var قافیه می شد.

۲- **اکفا:** آنست که در تلفظ یکسان و یا نزدیک به هم ولی در نوشتن متفاوت باشند. مثلاً مرگ و ترک

۳- **ریکا:** عیبی است که در قافیه شدن کلمات مرکب به وجود می آید و بر دو نوع است:
أ. **ایکای جلی:** آنست که تکرار جزء دوم قافیه کاملاً نمایان باشد مثل بدتر و خوبتر، دانشمند و حاجتمند، رفتن با شکستن، نکو رویان با گل رویان و پری رویان.

ب. **ایکای خفی:** و آن چنان است که تکرار جزء دوم چنان آشکار نباشد و این وقتی است که کلمه مرکب بر اثر کثرت استعمال حکم کلمه بسیط را پیدا کرده باشد مثل قافیه کردن رنجور با مزدور، گلاب با غرقاب، سیمین با شیرین و...

۴- **شایگان:** شایگان معادل فارسی همان ریکای جلی است ولی معمولاً آن را در مورد تکرار علامت جمع به کار می برند مثل خوبان، رندان - مشکلات، ممکنات و...

۵- **تکرار قافیه:** و آن آوردن یک قافیه به دفعات متعدد در یک شعر است. قدما برای تکرار قافیه حدودی تعیین کرده بودند. تکرار قافیه را در غزل بیش از یک بار جایز نمی دانستند و در قصیده عقیده داشتند که باید بین قوافی مکرر حداقل هفت بیت فاصله باشد. تکرار قافیه بیشتر در آثار شعرای سبک هندی دیده می شود؛ زیرا آنان از طرفی به لفظ بی اعتناء بودند و از طرفی هر بیت را مستقل می نهادند. تکرار مصراع اول مطلع در آخر بیت دوم از نظر قدما پسندیده بود و از ضیاع بدیعی محسوب می شد و به آن رد القافیه می گفتند.

۶- **قافیه بدیعی:** مقصود از قافیه بدیعی آن است که در آن ها یکی از صناعات ادبی از قبیل اعنات و تجنیس یا نو آوری و ابداعی اعمال شده باشد.

أ. **اعنات یا لزوم مالایلم:** اعنات در قافیه آن است که شاعر علاوه بر هماهنگی و تناظر هجائی قافیه هماهنگی و تناظر هجا یا هجا های قبل را نیز رعایت کند. مثلاً بر طبق قانون قافیه می توان شمایل را با خوشدل قافیه کرد یعنی فقط تناظر هجائی قافیه CVC را در نظر داشت حال اگر شاعری شمایل را با فاضل یا کامل قافیه کند علاوه بر تناظر هجائی قافیه تناظر هجائی ماقبل یعنی CV را نیز رعایت کرده است و به اصطلاح خود را در دشواری اعنات افکنده است. حال اگر شمایل را با قبایل و یا متمایل قافیه کند خود را بیشتر در دشواری افکنده و به رعایت امور غیر لازم ملتزم ساخته است. چشم بدت دور ای بدیع شمایل / ماه من و شمع جمع و میر قبایل (سعدی)

ب. **تجنیس:** در علم قافیه به معنی آوردن انواع جناس در محل قافیه است.

✓ **جناس تام:** آتش است این بانک نای و نیست باد / هر که این آتش ندارد نیست باد

✓ **جناس ناقص:** گفت من مستقیم آمم کشد / گرچه می دانم که هم آمم کشد.

✓ **جناس مرکب:** زان بود در پیش شاهان دورباش / کای شده نزدیک شاهان دور باش (دور باش اول بسیط و دور باش دوم مرکب است.)

✓ **جناس زاید:** چو عامی ترش کرده روی از وعید / چو ابروی رند اینان روز عید

ج. **قافیه معموله:** که ابتکار شاعر در به کار برد کلمه را نشان می دهد در قافیه:

✓ **از تجزیه یک کلمه:** بدین معنی که کلمه بسیط یا در حکم بسیط را مرکب پنداشته و قسمتی را قافیه و قسمتی را ردیف قرار دهد. گر عکس روی خوب تو افتد بر آئینه / گردد ز فیض نور تو قرص خود آئینه

✓ **از تجزیه ردیف:** ردیف مرکب را تجزیه کرده، جز اول آن را قافیه و جز دوم را ردیف قرار می دهد. یکی در بیابان سگی نشنه یافت / به جز از رمق در حیاتش نیافت. (ن نشنه با یافت ردیف شده)

✓ **نواقصین:** که دو قافیه داشته باشد. بیا تا حال یکدیگر بدانیم / مراد هم بجوئیم در توانیم.

ادامه دارد...